

« شکاف اندیشه و شکاف فناوری »

در عصر حاضر که با جهانی شدن مترادف است، گذار اقتصادی با عناوینی؛ مانند «جهان فراصنعتی»، «جامعه اطلاعاتی»، «اقتصاد نوآوری»، «اقتصاد دانش بنیان [1]»، «اقتصاد شبکه‌ای [2]»، «اقتصاد دیجیتال»، «اقتصاد بی‌وزن [3]»، «اقتصاد الکترونیکی» و سرانجام «اقتصاد مجازی [4]» خوانده شده است. لیکن آنچه امروز بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد «اقتصاد نوین [5]» است. در واقع، دو روند سازگار «جهانی شدن» و «انقلاب در دانش و فناوری»، اقتصاد نوین را رقم زده‌اند. شرایط و ویژگی‌های اقتصاد نوین سبب شده است که پارادایم [6] توسعه نیز تغییر کند. تسهیل جریان‌های بین‌المللی سرمایه، نیروی کار ماهر، فناوری و آزادسازی بازارها همراه با کاهش سرمایه‌بری، و کاربری فعالیتهای اقتصادی در برابر افزایش دانش‌بری فعالیت‌ها، و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) سبب شده است که دانش به عنوان عامل اصلی یا موتور رشد و توسعه اقتصاد کشورها درآید. در اقتصاد نوین که از ارکان آن، انقلاب فناوری ارتباطات و اطلاعات است، مرزهای ملی کمرنگ و جابه‌جایی عوامل تولید، کالاها و خدمات تسهیل و در یک کلام، تولید و تجارت و اقتصاد، جهانی شده است، در این شرایط، پارادایم توسعه مبتنی بر دانش، مطرح شده است. در واقع، رویکرد سنتی توسعه ما که بر عوامل طبیعی و فیزیکی تولید استوار بوده، باید جای خود را به رویکرد توسعه دانش تغییر دهد. در این رویکرد، شکاف عوامل [7] به مفهوم فقدان و یا کمبود مواد خام، سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و نیروی آموزش دیده و ماهر، به شکاف اندیشه [8] به مفهوم فقدان ایده و دانش و فناوری‌های مدرن تغییر یافته است. در واقع، فاصله کشورهای فقیر و غنی امروز به دانش و فناوری، خلاقیت و نوآوری آنها به عنوان عامل اصلی خلق ثروت برمی‌گردد نه اینکه الزاما چقدر گسترده هستند و چه منابع و دارایی‌های مالی و فیزیکی دارند. این در حالی است که در دو قرن گذشته سه عامل سرمایه، زمین و نیروی کار از عوامل تولید بودند که خارج از سیستم اقتصادی قرار داشتند. از سال ۱۹۷۰ که دانش و فناوری در رشد اقتصادی درازمدت بسیاری از کشورها تاثیر مثبت داشته، دانش به عنوان چهارمین عامل تولید در

اقتصادهای پیشرفته مورد تایید قرار گرفت. تراکم دانش، نیروی محرکه رشد اقتصادی است و توسعه فناوری‌های جدید زیر بنای لازم را برای ابتکار و نوآوری‌های بیش‌تر فراهم آورده است. این موضوعی است که باید هرچه سریع‌تر در کشور زمینه‌های توسعه و تقویت آن فراهم گردد چون در غیر این صورت به سرعت مزیت‌های خود را برای دوام و بقا در اقتصاد، تولید و تجارت جهانی از دست خواهیم داد. برخلاف اقتصاد سنتی، در اقتصاد دانش‌محور، سرمایه‌گذاری و فناوری‌های نوین به طور متقابل ارزش یکدیگر را بالا می‌برند. دانش و فناوری می‌تواند بازگشت سرمایه را به میزانی که نیروی کار و منابع مادی توانایی افزایش آن را ندارند، ارتقا بخشیده و موجبات افزایش بهره‌وری عوامل تولید و به دنبال آن کاهش هزینه‌ها و کاهش قیمت تمام‌شده محصولات و خدمات را فراهم سازد. تحقیقات اخیر در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی [9]، نشان می‌دهد که علم، تکنولوژی و نوآوری نقش مهمی را در یک اقتصاد کارا بر عهده دارند. سرمایه‌گذاری در توسعه فناوری به عنوان عامل مهمی در توسعه اقتصادی کشورها مطرح شده است. در این راستا باید به سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و تحقیق و توسعه نیز بسیار اهمیت داده و به نقش آموزش به عنوان تضمین‌کننده مهارت نیروی کار در فناوری‌های جدید و توسعه و بهبود مزیت‌های رقابتی در این میان بسیار توجه نمود. در سال‌های اخیر کشورهایی مانند هلند، فرانسه، ژاپن، کره، مکزیک، پرتغال و اسپانیا در مقیاس بزرگی دست به اقدامات اولیه‌ای برای اصلاح روشهای مدیریت علم، تکنولوژی و نوآوری خود زده‌اند. بسیاری از کشورها مانند فنلاند، ایرلند، ژاپن، کره و نیوزلند حمایت خود را از حوزه علم افزایش داده‌اند. در ایالات متحده آمریکا، حمایت از تحقیقات پایه‌ای تا ۱۰ درصد بودجه سالیانه افزایش یافته است. هدف این تلاشها اغلب افزایش مشارکت علم در رشد اقتصادی بوده است. موضوعی که ما هم در کشورمان باید بصورت جدی و با عزم و اراده‌ای ملی باید به آن بپردازیم. در خاتمه به عنوان جمع‌بندی در شرایط کشورمان و برنامه‌های آتی که باید در دستور کار متولیان مربوطه قرار گیرد می‌توان گفت که تعمیق سرمایه و رشد بهره‌وری کل عوامل با عنایت به هماهنگی سیاست‌های علمی و فناوری در کشور می‌تواند تاثیر معناداری را در شتاب رشد بهره‌وری نیروی کار و اقتصاد کشور مان داشته باشد. سرمایه‌گذاری در بخش توسعه دانش پژوهش و فناوری و نوآوری در کشورمان به این خاطر ضروری است که اولاً وجود پژوهش و فناوری، عملکرد ارکان اقتصاد، تولید و تجارت را بهبود می‌بخشد، زیرا پژوهش و فناوری به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر همه مقولات تولید و تجارت از جمله تعیین نوع تولید، چگونگی تولید، میزان و محل فروش کالاها و خدمات را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این‌ها مواردی است که پژوهش و فناوری می‌تواند مستقیماً

موضوع بهره‌وری عوامل تولید و رشد اقتصادی کشور را فراهم ساخته و به دنبال آن زمینه های توسعه و تعالی همه جانبه در کشور را فراهم سازد.

[۱]. Knowledge Economy.

[۲]. Network Economy.

[۳]. Weightless Economy.

[۴]. Virtual Economy.

[۵]. New Economy.

[۶]. Paradigm (بیش انسجام یافته فکری).

[۷]. Object Gap.

[۸]. Idea Gap.

[۹]. OECD.

منبع: www.hitech.ir

مرکز بررسی ها و مطالعات راهبردی